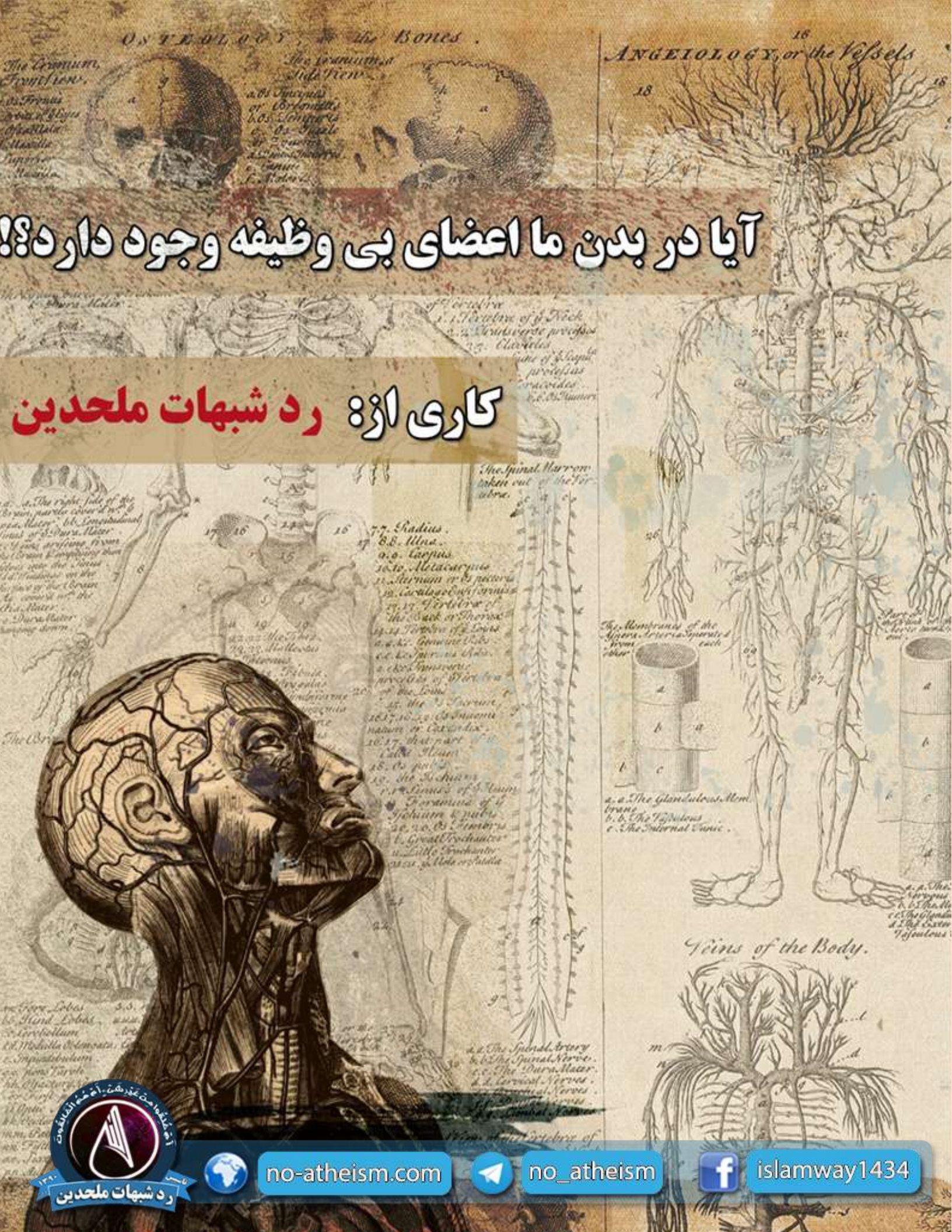


آیا در بدن ما اعضای بی وظیفه وجود دارد؟!!

کاری از: **رد شبهات ملحدین**



no-atheism.com



no_atheism



islamway1434

بسم الله الرحمن الرحيم

نمونه‌هایی از دروغهای تکامل‌گرایان به توده‌ی مردم و ساده‌اندیشان درمورد ادعاهای دروغین اعضای بی‌وظیفه یا اعضایی که بی‌فایده است .. خدای نظم نه خدای بی‌نظمی.

موضوعاتی که در این مقاله می‌خوانیم:

۱. اعضای بی‌وظیفه یا برجای مانده از تکامل چیست؟

۲. آپاندیس در انسان، که دیگر زائد نیست!!

۳. دندانه‌های عقل در انسان.

۴. استخوان دنبالچه یا عصعص، آیا بقایای دم در انسان است؟

۵. برآمدگی گوشها یا برآمدگی داروین در انسان.

۶. نوک پستانهای جنس مذکر در پستانداران و انسان.

۷. چین هلالی در چشم انسان.

۸. موی بدن انسان و لرزش.

۹. دستگاه جاکسیون در انسان.

۱۰. رنهای بی‌وظیفه در انسان.

۱۱. بالهای پرندگان که پرواز نمی‌کنند.

مسئله را بصورت مختصر بیان می‌داریم چرا که دروغ‌گویی‌ها و فریبکاری‌ها و سوءاستفاده از جهل مردم پایانی ندارد اما عاقل را یک اشاره کافیت و مؤمن دو بار از یک سوراخ گزیده نمی‌شود.

۱. اعضای بی‌وظیفه یا برجای مانده از تکامل چیست؟ اعضای بی‌وظیفه،

اعضایی است که دانشمندان هنوز کار و وظیفه‌ای برای آنها نیافته‌اند، البته این سخن عصر داروین در قرن نوزدهم است به همین دلیل تکامل‌گرایان -طبق عادت خود در سوءاستفاده از جهلی علمی- فرصت یافتند تا به مردم بگویند که این اعضا درواقع بقایای تکامل و اثراتی از اجداد حیوانی است که دیگر در جسم انسان و دیگر موجودات وظیفه‌ای ندارند!!



این فریب علمی در سال ۱۸۹۳ میلادی به دست دانشمند آناتومی تکامل‌گرای آلمانی (Robert Wiedersheim) ارائه شد که لیست خود با ۸۶ عضو بی‌وظیفه در جسم انسان را اعلام نمود.

شکل (۱) Robert Wiedersheim 'دانشمند آناتومی تکامل‌گرای آلمانی متولد ۱۲ ژوئیه ۱۹۲۳ بعد از نشر کتاب **The Structure of Man: An Index to His Past History** معروف شد وی در این کتاب لیست ۸۶ عضو بی‌وظیفه را ترتیب داد. امروزه عدد این لیست به صفر رسیده است! اما در عین ناباوری فرگشت‌گرایان هنوز این لیست را معتبر میدانند و آن را جزو ادله‌ی محکم وقوع فرگشت استدلال میکنند.

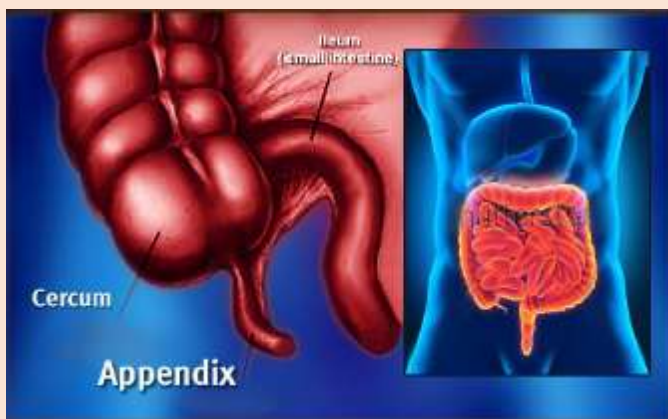
برای رسوا نمودن این افراد تنها کافیت بدانیم که در لیست این فریبکار، غده‌های درون ریز همانند غده‌ی هیپوفیز و پینه‌ال و تیموس وجود دارد چرا که در زمان او چیزی درمورد هرمونها و سلول و پروتئینها نمی‌دانستند، این تنها یک مثال بود تا به جهل انتشار یافته در بین تکامل‌گرایان پی ببرید که امروزه آنرا انتشار می‌دهند تا بوسیله‌ی مردم عوام ساده‌لوح را به ریشخند بگیرند.

¹ https://en.wikipedia.org/wiki/Robert_Wiedersheim

سپس عالم‌نمایی که خود را مسلمان واقعی و حامی اسلام جا میزنند مانند عدنان ابراهیم^۲ که امانت علمی ندارد آنرا تکرار می‌کنند، همان کسی که به صراحت مخلوقات را معیوب توصیف می‌کند و طراحی آنها را خطا و اشتباه می‌داند!

۲. آپاندیس در انسان، که دیگر یک زائده نیست؟!

(شکل ۲) زائده‌ی آپاندیس



این چیزی که آنرا زائده‌ی آپاندیس نامیدند از آخرین ضربات کمرشکن به تکامل‌گرایان بود (تقریباً از سال ۱۹۹۷م)، چنانکه دهها سال از آن بعنوان زائده نام می‌بردند مشخص شد که از همان زمان شکل‌گیری جنین وظایف بسیار مهمی حال ساخت تعدادی از هرمونهای آن دارد، همچنین نقش بازدارندگی بواسطه‌ی همکاری با سیستم لنفاوی دارد که از حملات باکتریهای زیانبار بوسیله‌ی ذخیره کردن باکتری و میکروبهای سودمند محافظت می‌کند!

یا اگر جسم در برخی حالات مانند وبا و اسهال شدید که معده را خالی می‌سازد این باکتریها و میکروبهای مفید را از دست دهد آپاندیس آنها را به بدن می‌رساند!! و همین بس که با فشار یک کلید در اینترنت برای عبارت (Scientists Find Reason For The Appendix; Protects Good Germs) در می‌یابیم که دهها سایت پزشکی جهانی به فواید آپاندیس اعتراف می‌کنند. عبارتی همانند مورد زیر:

The Appendix Protects Us From Germs And Protects Good Bacteria

از این سایت پزشکی:

<http://www.medicalnewstoday.com/articles/84937.php>

²[https://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%A5%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%8A%D9%85_\(%D9%85%D9%81%D9%83%D8%B1\)](https://ar.wikipedia.org/wiki/%D8%B9%D8%AF%D9%86%D8%A7%D9%86_%D8%A5%D8%A8%D8%B1%D8%A7%D9%87%D9%8A%D9%85_(%D9%85%D9%81%D9%83%D8%B1))

یا همانند آخرین تحقیقاتی که بر اهمیت آپاندیس در محافظت جسم از هجوم باکتری تصریح دارد، مثل مقاله‌ی ساینتیفیک امریکن که می‌گوید: آپاندیس می‌تواند زندگی تو را نجات دهد (**Your Appendix Could Save Your Life**).

منبع:

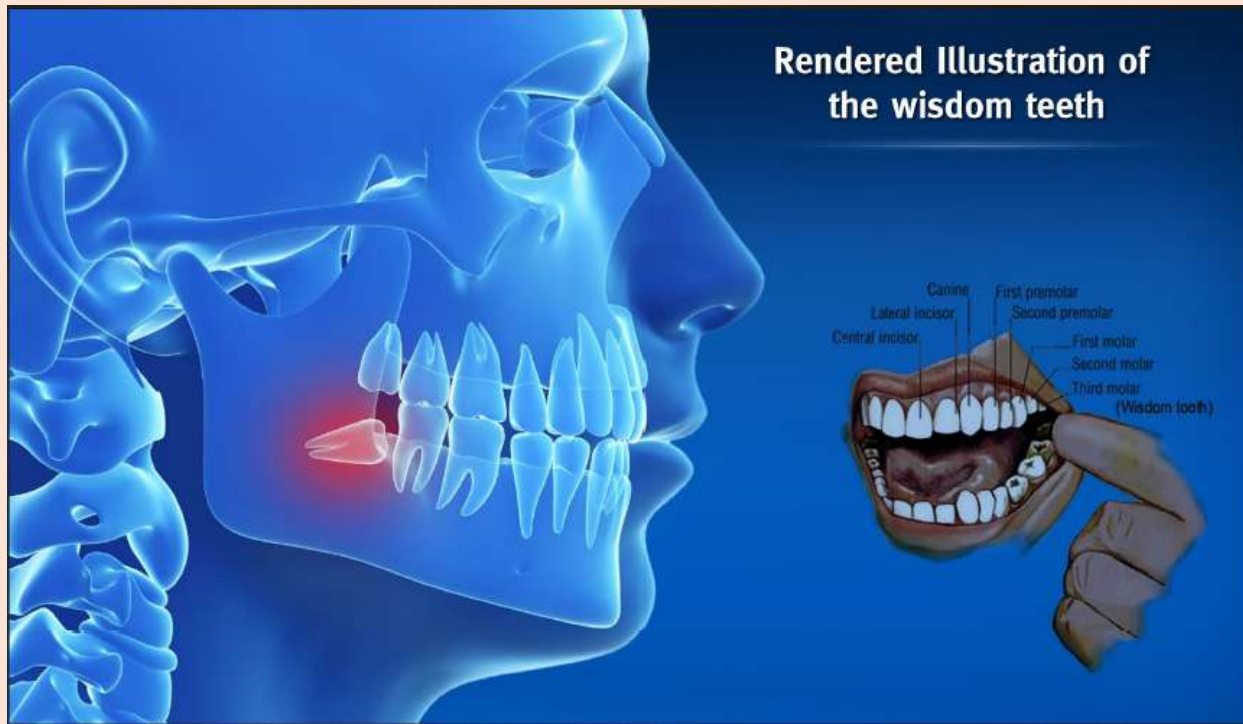
<http://blogs.scientificamerican.com/guest-blog/2012/01/02/your-appendix-could-save-your-life/>

اما درسی که از این مثال می‌گیریم اینست که: بیرون کشیدن عضوی از بدن انسان و سپس زنده ماندن او به این معنا نیست که آن عضو بی‌فایده بوده است!!

چرا که اگر دست و پا به سبب سرطان یا گارگارین قطع شوند هیچ عاقلی نمی‌گوید چون صاحبش بعد از آن زنده مانده و نمرده، بی‌فایده بوده است!!

۳. دندانهای عقل در انسان

دندان عقل (Wisdom Teeth) نامیده شده چون در انتهای دهان انسان قرار می‌گیرد (از عمر ۱۸ تا ۲۵ سالگی تقریباً) و این سن، زمان کمال بلوغ و درک عقلی است و چنانکه فوایدی برای آپاندیس در انسان مشاهده کردیم که تیشه به ریشه‌ی ادعای تکامل می‌زند (چرا که تصور عضوی که پیشتر برای وظیفه‌ی آتی مانند ذخیره‌ی باکتری و میکروبها در وقت نیاز مهیا شود امری غیرممکن می‌باشد) زیرا مجموعه‌ی دندانهای عقل و دیگر دندانها در انسان نیز نشانه‌ای دال بر تدبیر آفریدگار متعال و ارج نهادن و توجه او به انسان است.



شکل ۳) دندان عقل

پس تنها مطابقت شکل دندانها و دندانهای عقل بالایی با پایینی و تناسب‌شان با همدیگر، دلیلی غیرقابل رد برای آمادگی و هدفمندی از پیش تعیین شده می‌باشد!! همچنین پی در پی آمدن دندانهای شیری در زمان آغازین عمر انسان همانند کودک و تناسب آن با غذای نرم او و سپس افتادن آن و جایگزین شدن دنداننی قویتر بجای آن در باقی عمر درواقع بهترین دلیل بر نیروی آگاه پیشین نسبت به تمام این برنامه‌ریزی‌های از پیش طراحی شده است (راستی آیا ماده، عقل دارد؟!)

این امر شبیه به وقت شیرخوردن است که نوزاد پس از تولد می‌نوشد که با شکل‌گیری شیر مغذی و منحصر به فرد و غریزه‌ی مکیدن پستان مادر همراه است!

پس تمام اینها چگونه محقق می‌شود اگر که حیات با بطور تصادفی و بی‌هدف بودن مورد ادعای تکامل و جهشهای بی‌هدف ایجاد می‌شد؟!

همچنین تکامل‌گرایان به اشتباهی رایج نزد جاهلان و عوام تکیه کرده‌اند و آن اینکه اگر بیرون کشیدن عضو، منجر به عوارض فوری یا مرگ نشود پس بی‌فایده است، آنها این بار بر مغالطه‌ی دیگری تکیه کرده‌اند و آن استدلال به

وخامت نیروی انسان و ضعف سیستم غذایی او در مدنیت (شهرنشینی) نوین است تا آن را دلیلی بر بی‌فایده بودن دندانهای عقل نشان دهند!!

و درست این است که دندانهای عقل – که در انتهای دهان است – تمام دندانها را در بر می‌گیرد و جاهای خالی بین دندانهای عقل و سایر دندانها را به منظور متراکم نشدن مواد زیانبار پر می‌کند و به همین دلیل نظام غذایی نرم و نوین و آماده که امروزه اساس غذایی میلیونها نفر را تشکیل می‌دهد سبب تنگ شدن جای خالی دهان خاص جای دندانهای عقل می‌گردد (دو تا در بالا و دو تا در پایین) و نیز باعث ظهور مشکلات تجمع میکروبها در دهان و لثه می‌گردد در حالی که ما این مشکل را در کسانی که کماکان از غذاهای طبیعی استفاده می‌کنند نمی‌یابیم همانند صحرانشینان و اهل روستا و جنگل یا کسی که در شهر همانند آنها زندگی می‌کند!

و دکتر پرایس و تیم وی در تحقیق خود بر روی اهل جزایر تونگا در سال ۱۹۳۹م بر این امر تاکید نمودند، چنانکه پیش از جنگ جهانی اول بر غذاهای طبیعی تکیه نمودند و هیچ مشکلی در دندانهای عقل ظاهر نشد، اما بعد از اینکه پس از جنگ به زندگی شهری وارد شدند بخاطر تکیه بر مواد غذایی آماده نظام غذایی آنها تغییر کرد و مشکلات دندانهای عقل نزد آنها ظاهر گشت.

منبع:

Weston A. Price “Nutrition and Physical Degeneration : A Comparison of Primitive and Modern Diets and Their Effects” Written in 1939 the book at Amazon.com (8th edition, 2008)

۴. آیا مهره‌های دنبالچه یا عصص (Vertebrae Coccygeae)، از بقایای دم در انسان است؟

تکامل‌گرایان، ادعا می‌کنند که مهره‌های دنبالچه از بقایای دم در انسان است؟

معلوم است که مهره‌های دنبالچه در آخر استخوانهای ستون فقرات انسان قرار دارد و حامل سلولهای نوار اول سلولهای آغاز شکل‌گیری جنین در آخر آن می‌باشد (و آن استخوانی به اندازه‌ی یک دانه‌ی کوچک است که پیامبر صلی الله علیه و سلم آنرا **عجب الذنب**^۳ یا مهره‌های دنبالچه یا عصص نامیدند).

صحیح بخاری ۴/۲۲۷۰ حدیث شماره: ۲۹۵۵ نشر: دار إحياء التراث العربی-بیروت ۳

و چون خاص رشد جنینی و تمرکز ژنها در آن است، به همین دلیل صدمات ناشی از آن سبب اختلالاتی در رشد اعضای جنینی بصورت زوائدی می‌شود که معمولاً در پشت جنین یا جسم ظاهر می‌گردد و از جمله همانند یک امتداد طویل در آخر ستون فقرات ظاهر می‌شود که تکامل گرایان آن را چنین تفسیر می‌کنند که بقایای دمی کوتاه از جد حیوانی انسان است!!

شکی نیست خداوندی که هر چیزی را در هر جاندار زنده‌ای بر حسب یک وظیفه‌ی معین آفریده است کمال آفرینش او نباید با این سطحی‌نگری وصف گردد چه برسد به مردم عادی!! زیرا پزشکان می‌دانند این مهره‌های دنبالچه چه فوایدی دارد.

مثلاً در پیوند تعداد مهمی از عضلات و رباطها و بندها سودمند است طوریکه پزشکان را در بیرون کشیدن آن دچار شک و تردید می‌نماید چرا که ساختاری پشتیبان برای حمل وزن بدن انسان هنگام نشستن دارد بویژه هنگام انحنا به پشت، دنبالچه بخش اعظم وزن را تحمل می‌کند کما اینکه در درون بدن، مسئول حمایت از پیوند تعدادی عضلات مهم به منظور تعدادی از وظایف در پایین لگن است بنابراین عضلات دنبالچه نقش مهمی را در بیرون آوردن مدفوع ایفا می‌کند. همچنین دنبالچه در تثبیت لگن در جای خود کمک می‌کند. اما از جهت پشت به عضله‌ی الویه بزرگ که ران را هنگام راه رفتن به جلو می‌برد کمک می‌کند و بسیاری از رباطها به دنبالچه متصل می‌باشند.

منبع: Evolution vs God Documentery product made by Ray Comfort. 16:48

و بیمارانی که سخن پزشکان تکامل‌گرا را باور نمودند با رنج بسیاری زندگی را ادامه دادند آنگاه که به این گفته‌ی آنها عمل نمودند که برداشتن این مهره‌های فقری چون بی‌وظیفه هستند پیامد و عوارضی ندارد و نیز بعنوان راه‌حلی آسان برای درمان التهاب مزمن این فقرات که ناشی از افتادن یا شکستن یا ترک برداشتن است.

دکتر ایوان شوت درمورد دنبالچه یا عصعص می‌گوید: «من آن را بر می‌دارم ولی بیمار شکایت خواهد کرد!! درواقع عمل برداشتن آن مدتی انتشار یافته بود اما اکنون بدنام گشته و کسی به سراغ آن نمی‌رود!! فقط تا اینکه جراح ساده‌لوحی آن را احیا نماید، که در این صورت او عملاً سخنان زیست‌شناسان درمورد این ماجرای قدیمی که «بی-فایده» است را تصدیق می‌کند.

منبع: (Shute, Evan, Flaws in the Theory of Evolution, Craig Press 1961, page 40; cited in Ref. 7, page)

همچنین در یکی از مشهورترین کتابهایی که وظایف مهم اعضای بی‌وظیفه را بیان داشته یعنی کتاب (Vestigial Organs” Are Fully Functional) می‌خوانیم که:

«در گذشته با اتکا به این فکر که این عضو (عصص) بی‌وظیفه و نامطلوب است جراحان استخوان دنبالچه یک شخص را بدون استئوپلاستی می‌داشتند (چنانکه با دو لوزه چنین می‌کردند) .. اما این امر منجر به مشکلات شدیدی برای بیمار شد! زیرا دنبالچه یا عصص همانند نقطه‌ی مرکزی و سرنوشت‌ساز بسیاری از ستونهای استخوانی مهم عمل می‌کند!!

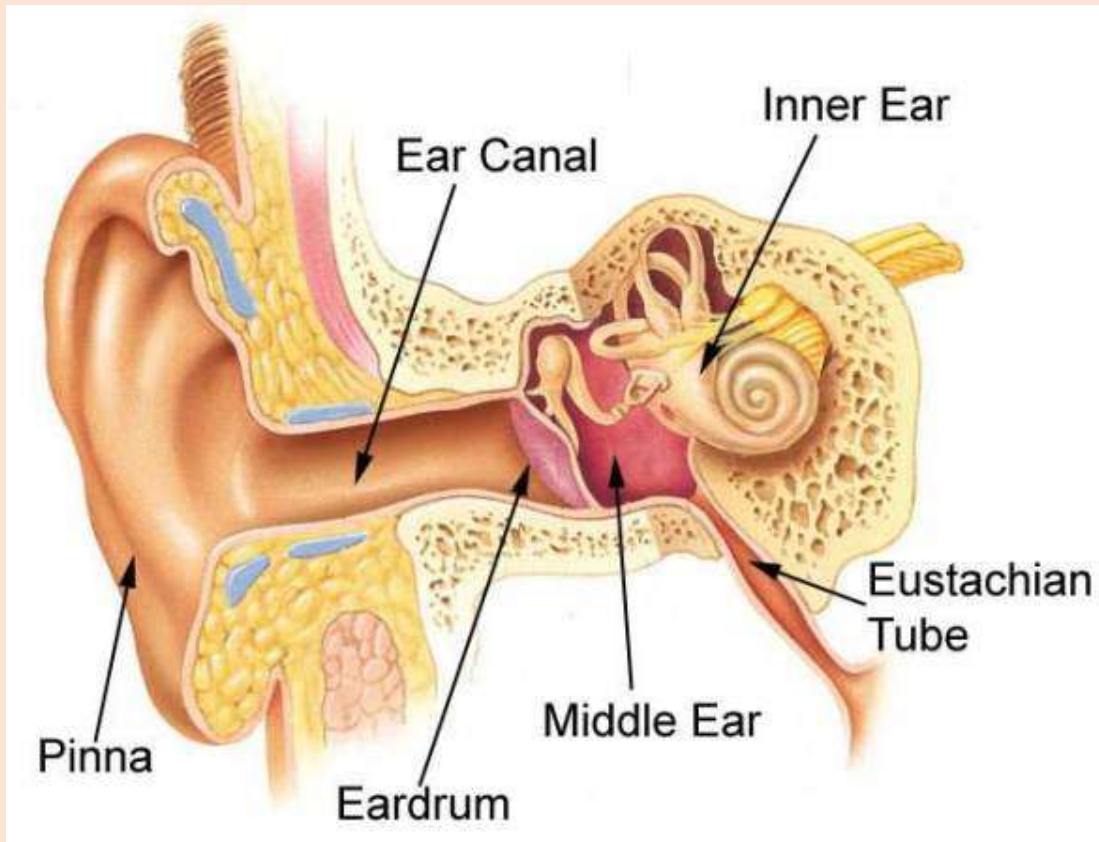
قربانیان بیرون کشیدن عصص (یا به قول آنها استخوان دم) در گذشته با مشکل در نشست و برخاست و نیز با دشواری در به دنیا آوردن فرزند و سختی در دستشویی رفتن سر وقت مواجه شدند!!»

منبع: (Bergman, J. and Howe, G., “Vestigial Organs” Are Fully Functional, pages 32–34, Creation (Research Society Books, 1990.

۵. برآمدگی گوشها یا برآمدگی داروین در انسان

تکامل‌گرایان یک بار از عضله‌ی گوش (Extra ear muscles) سخن می‌گویند که آن را به پوست سر پیوند می‌دهد و در جمجمه ثابت و استوار نگه می‌دارد و آن را با همان عضله در حیواناتی مقایسه می‌کنند که می‌تواند گوشها را بخاطر اندک بودن تشکیلات دقیق در **لاله** گوش به سمت صدا جهت‌دهی نماید، برعکس انسان که خداوند او را مکرم داشته است به همین دلیل به چرخش به طرف هر صدایی نیازمند نیست بلکه بوسیله‌ی **حفرة‌های** شگفت‌انگیز در خیمه‌گاه گوش، هر صدایی را دریافت می‌دارد و مصدرش را از هر سمتی که باشد تشخیص می‌دهد.

و بار دیگر از برآمدگی گوشها یا برآمدگی داروین (Darwin's tubercle) سخن می‌رانند و آن یک برآمدگی ضخیم و کوچک است که در بالاترین لاله گوشها بطور زائد ظاهر می‌گردد. چنانکه داروین در کتاب خود «خاستگاه انسان» آن را به عنوان یک از نشانه‌های باقی‌مانده‌ی دال بر تکامل بیان داشته است!! چرا که آنرا در میمونها و شامپانزه‌ها با مثلاً برآمدگی معروف در قسمت بالای گوش مقایسه می‌کند، که عضلات خاصی در آن تصرف می‌نماید که گوش این حیوانات را به سمت صدا جهت‌دهی می‌کند.



شکل ۴) آناتومی گوش

و اگر فرضاً این سخن درست باشد می‌بایست این برجستگی در همه‌ی انسانها بعنوان صفتی منتقل شده از جد قدیمی‌تر آنها در درخت تکامل مورد ادعای‌شان موجود می‌بود! اما واقعیت گواهی می‌دهد که این برآمدگی یک متغیر اخلاقی ناپایدار در انسان است تا جایی که تعداد انسانهایی که این برآمدگی در آنان ظاهر می‌گردد فقط حدود ۱۰/۴ درصد می‌باشد!!

منبع: (Ruiz). "An anthropometric study of the ear in an adult population". International (Journal of Anthropology 1: 135-43. doi:10.1007 /BF02447350.

و به همین دلیل آنرا صفتی غالب (یعنی از ژنی غالب) برشمرده‌اند اما با وجود این: اعتراف کرده‌اند که صاحبان این ژن، ضرورتاً نزد آنان برآمدگی ظاهر نمی‌شود!!

منبع:

<http://www.newscientist.com/article/mg19826562.100-vestigial-organs-remnants-of-evolution.html>

و حتی کسانی که درمورد عضله‌ی گوش انسان گفته‌اند که آن، عضو بی‌وظیفه و باقی مانده از عضله‌ی گوشهای همتایان میمون و شامپانزه است از یاد برده‌اند که این عضله در انسان همان است که خیمه‌گاه گوش را به پوست سر پیوند می‌دهد و در جمجمه‌اش استوار نگه می‌دارد!!

۶. نوک پستان جنس مذکر در پستانداران و انسان

از عجیب‌ترین چیزهایی که تکامل‌گرایان مطرح می‌کنند -البته تمام خرافاتشان خنده‌دار است- استدلال آنها به نوک پستان جنس مذکر است...!

چنانکه شایع است اکثر پستانداران مذکر، نوک پستانی همانند ماده و به همان تعداد دارند (مثلاً دو نوک پستان در جنس مذکر انسان همانند جنس مونث است و شش نوک پستان در جنس مذکر گربه همانند مونث آن است) و چونکه تکامل‌گرایان جز وظیفه‌ی شیردادن چیزی از نوک پستانها نمی‌دانند به همین خاطر وجود نوک پستان در جنس مذکر را چیزی زائد و بی‌فایده قلمداد نموده‌اند! اما حقیقت اینست که جهل آنها در آن دوران به نقش هورمونات در تشخیص و ظهور و کارآیی نوع جنس ژن همان چیز است که آنها را به این دید کوتاه‌بینانه کشانده است. نخستین اکتشاف هرمونی سال ۱۹۰۲م بود سپس اکتشافات ادامه پیدا کرد و تا به امروز تعداد بسیار زیادی از هورمونات در جسم انسان کشف گردیده است.

پس جنین بشری مثلاً (و پستانداران عموماً) در دوره‌ی جنینی نخست دارای قابلیت تمایز بین مذکر و مونث در همان وقت است و به همین دلیل تمام جنینها در آغاز، دارای نوک پستان هستند!! سپس نوبت هورمون‌ها می‌رسد (بر

حسب کروموزومهای جنسی (X و Y) تا هورمونهای خاصی ترشح کنند که بر ظهور مذکر و مونث و ملحقات آن در بدن عمل می‌نمایند.

و برای توضیح این مسئله با مثال می‌گوییم که جنین بشری مثلاً دارای مجرای مولریان است که می‌تواند به دستگاه تناسلی زنانه تبدیل شود (رحم و دو مجرای فالوب و یک سوم بخش بالایی مهبل (واژن) و در همین وقت دارای مجرای ولفیان است که می‌تواند به دستگاه تناسلی مردانه تبدیل گردد (مجرا و لوله‌های منی و جایگاه منی) و همچنین جنین در این زمان آغازین حامل برآمدگی جنسی واحد است که یا بصورت آلت مردانه یا زنانه متمایز خواهد شد!

بنابراین اگر جنین مثلاً حامل کروموزوم مذکر Y باشد در این صورت یک آلت مردانه (Fetal testis) در وی پدید خواهد آمد و در مقابل بنیه‌ی تخمدان برای زن پدید می‌آید چنانکه بیضه‌ی جنینی که عاملی بازدارنده برای رشد مجرای مولریان یا (Mullerian) ترشح می‌کند و همچنین هورمون تستسترون (Testosterone hormone) و مشتقی دیگر بنام تستسترون کم آبی (Dihydro testosterone) ترشح می‌کند که این دو به مجرای ولفیان در رشد کمک می‌کند و نیز به لوله و مجرای رشد و منی و غده‌ی پروستات کمک می‌کند.

منبع:

The Developing Human-Clinically Oriented Embryology Keith L. Moore M.Sc., Ph.D., F.I.A.C., F.R.S.M. Professor and Chairman, Department of Anatomy, University of Toronto, Faculty of Medicine, Toronto, Ontario, Canada. Press: Philadelphia/London/Toronto/Mexico City/Rio de Janeiro/Sydney/Tokyo Third Edition P.276 "Both male and female embryos have two pairs of genital, or sex, duct . . .".

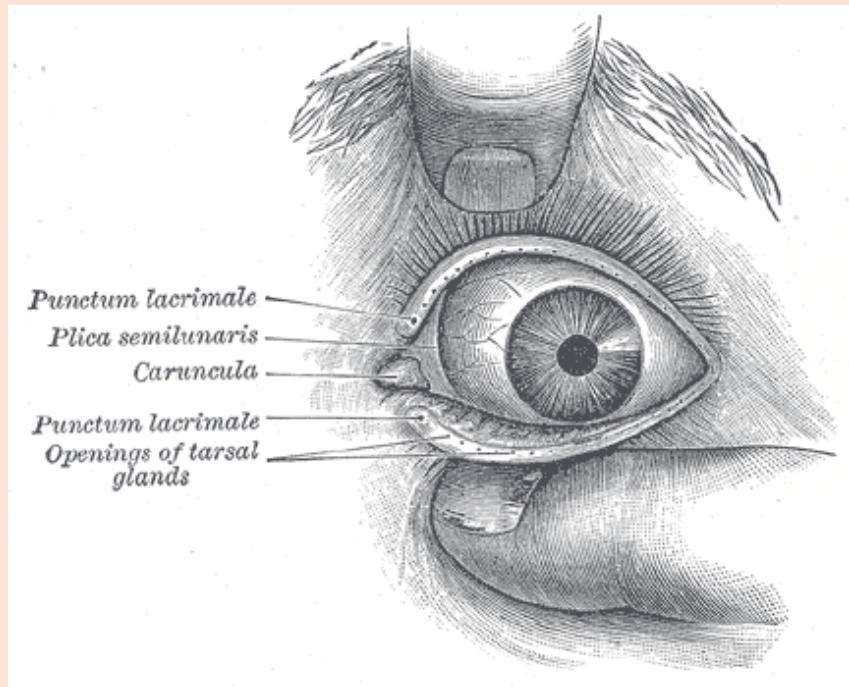
و همین وضعیت در حالت مونث هم وجود دارد و گواه اینکه بدن انسان در آغاز پیدایش -چه مذکر و چه مونث- قابلیت تبدیل به این را دارد چرا که این امر بخاطر امکان وقوع نقص و خلل در هورمون‌ها حتمی نیست، پس وجود نوک پستان در پستانداران مذکر هیچ ارتباطی بین آن و بین ادعاهای تکامل ندارد!! زیرا که آن، عضوی نبوده که در گذشته عمل می‌کرده و سپس از فعالیت باز ایستاده است و گرنه این گفته لازم می‌آید که پستانداران مذکر، کوچکترها را شیر می‌دادند تا اینکه بدون هیچ دلیل موجهی از این کار سر باز زدند!!

و نیز نشانه‌ی تکامل مذکرها از مونثها نیست!!!! چه برسد به کمال شکل انسانی آن و جامع‌بودن بین دو نوع مذکر و مونث در شکل‌گیری بیرونی واحد و مشترک و همچنین برخی از پژوهشها که ثابت نموده این مسئله، نزد ۲۵ درصد از مردان و زنان خنده‌آور است!!

۷. چین هلالی در چشم انسان

یا (Plica Semilunaris) که پرده‌ی نازکی است که به شکل قوس یا هلال در بخش داخلی چشم وجود دارد .. چنانکه تکامل‌گرایان ادعا می‌کنند که از بقایای پلک سوم یا مژه و یا () در حیوانات است! و برای رد این ادعای سطحی همین بس که وجود این پلک در شاخه‌های دور درخت تکامل مورد ادعای آنها، خرافه‌ی جد مشترک را بشدت در هم می‌کوبد!

چرا که آن در تعدادی پراکنده از ماهی‌ها و خزندگان و پرندگان و پستانداران وجود دارد! و با صورتی که تکامل‌گرایان -همانند عادت خود در برابر این معضلات تکراری- تنها راه چاره را پناه بردن به ادعای غیرممکن‌تر از ادعای تصادفی بودن در وقوع تکامل واحد می‌یابند یعنی تطابق و تشابه همان نتایج تکامل بی‌هدف در گونه‌های بسیاری از موجودات زنده و بدون



ارتباط با هم! یا چیزی که به تکامل همگرا یا موازی (Parallel or Convergent Evolution) شناخته می‌شود.

و صحیح اینست که این پلک سوم یا این پرده (Nictitating membrane) در واقع یکی از قویترین نشانه‌های ارزیابی و هدف‌مندی از پیش طراحی شده در آفرینش و تنوع آن بر حسب نیاز است!! و هیچ ارتباطی بین آن و بین جهشهای بی‌هدف و نیز تکامل تصادفی مورد ادعا وجود ندارد، و می‌توان فایده‌ی آن در حیوانات را بر حسب موارد زیر خلاصه نمود:

۱. مرطوب ساختن ۲. محافظت ۳. دیدن با وجود آب یا باد شدید یا نور خورشید.

و ممکن است که این پلک یا پرده‌ی بصورت افقی یا عمودی به حرکت درآید، پس مثلاً آن را در پرندگان بینیم که هنگام پرواز بسوی خورشید با چشمان باز آنها را محافظت می‌کند. همچنین در پرندگان شکاری، چشمانشان را

هنگام غذا دادن به جوجه‌ها محافظت می‌کند و در شترها، آن را از شن و باد بیابان محافظت می‌کند و در خرس قطبی، چشمانش را از کوررنگی برف سفید محافظت می‌نماید و کوسه را از شکارش به هنگام بلعیدن آن محافظت می‌کند و در حیوانات غواص همانند **گاو دریایی** و سگ آبی، برای آنها دیدی واضح در زیر آب فراهم می‌آورد، در وقتی که بر محافظت از برخی حیوانات غواص دیگر از شنهایی عمل می‌کند که ممکن است در حالت خیس شدن که از آب بسوی خشکی بیرون آمده‌اند به آنها بچسپد!

و این چنین مشاهده می‌کنیم که تمامی اینها، وظایفی مشخص و معروف و مفید است! و سؤالی که می‌بایست از تکامل‌گرایان فریبکار پرسید این است که: چرا انتخاب طبیعی از امثال این وظایف برای انسان دست می‌کشد اگر طبق ادعای آنها این چین‌هلالی در چشم انسان بی‌وظیفه بوده و از بقایای تکامل و بی‌فایده باشد؟!

اما تمام این ادعاها فرو می‌پاشد اگر بدانیم که این بخش، اهمیت زیادی برای انسان در خنک نمودن چشم وی بصورت مداوم و جاری نمودن اشک بطور منظم دارد و همان چیز است که براحتی برای ما روشن می‌سازد اگر انسان دچار خشکی یا بیماری و یا نقصی گردد چه فایده‌ای خواهد داشت!

منبع:

<http://www.oculist.net/downaton502/prof/ebook/duanes/pages/v8/v8c002.html>

۸. موی انسان و **خنکی** (ارتعاش پوستی)

آیا چیزی در مورد (Goose bumps) شنیده‌اید! زیرا چنانکه برای ما روشن است اندیشیدن تکامل‌گرایان تقریباً منحصر به روابط صوری و حجمی بین اعضای انسان و شباهتهایی می‌شود که با دیگر موجودات دارد! و این دیدگاه از هرگونه تلاش یا بحث و پژوهش و بررسی عمیق تهی است (یعنی هر اندازه عضو یا جسم در انسان در مقابله با موجودات دیگر کوچک باشد بصورت خودکار، عضوی بی‌وظیفه یا از بقایای عصر تکامل یا بی‌فایده خواهد شد!!)

آنها این بار سعی دارند از کوتاهی موی بدن انسان در مقایسه با حیواناتی که پوست نرم و موی زیاد دارند سوءاستفاده کنند و چنین استدلال کنند که این از بقایای تکامل می‌باشد! با وجود اینکه انسان همانند باقی موجودات دیگر دارای همان میزان مو در جسم خود است!!

آیا واقعا این چنین است؟!

شاید تمام متخصصان -و حتی انسان معمولی و ناآشنا با تکامل- هم می‌دانند که موی بدن انسان، عضوی بسیار حساس بوده و بمنزله‌ی خط قرمز اول او از خطرات کوچک و لطیف و خطرانی است که شخص خود، با چشم مجرد آنها را درک نمی‌کند -مثل حشرات مضر مانند شپش و ساس و حشراتی که ناقل بیماری‌های **تیفوئید** و طاعون هستند- و همچنین مو، سطح خارجی بدن را از **گرد و خاک** و حدی از اشعه‌ی الکترومغناطیسی مضر محافظت می‌کند، این فواید جدای از فراهم آوردن رطوبت مناسب و توانایی عالی بمنظور دفع عرق و چربی‌هاست!

سپس ضربه‌ی کاری، قشعریره (ارتعاش پوستی) در انسان است که به انفعالات روانی و روحی و گوش دادن به چیزهای تاثیرگذار بر روان همانند موسیقی ربط دارد (یا نزد مسلمانان مثل قرآن و برخی خطبه‌ها) و تمام اینها تیشه به ریشه‌ی همه‌ی ادعاهای تکامل‌گرایان می‌زند.

منبع:

- 1-“That Person Is so Awesome They give Me Goose Bumps” Healthguidance.org By Juliette Siegfried.
- 2-“What Is Piloerection?” By: D.Jeffress. Edited By: Bronwyn Harris.WiseGeek.com (Conjecture Corporation)
- 3- Hair biology – Function of the Hair fiber and Hair follicle Keratin.com. Retrieved on 2010-12-14. Keratin.com/aa/aao31.shtml
- 4-sabah NH. “Controlled stimulation of Hair Follicle receptors.” Journal of Applied Physiology February 1974 36:(2) 256-7
- 5-“Shave tight? Don’t let the Bed bugs bite” Mark Elgar Professor of Evolutionary Biology at University of Melbourne. The conversation Media Group (theconversation.com) 14 December 2011.
- 6-“Body Hair Senses Parasites While Slowing Their Blood Quest” Scientific American. Christopher Intagliata Report. December 13-2011.
- 7- “hairier is Better – Bedbugs bite our Barest Bits” Short Sharp-Science Blog.by Rowan Hooper(news Editor) Journal Reference: Biology Letters Dol: 10.1090/rsbl.2011.0987

۹. سیستم جاکسون در انسان

این سیستم که در بینی موجود است و همان چیز است که تکامل گرایان -برحسب عادتشان- آنرا عضوی بی‌وظیفه یا بی‌فایده توصیف می‌کنند چونکه کارایی آنرا بوضوح مشاهده نمی‌کنند چنانکه در تعدادی از حیوانات دیگری که در بوییدن رایحه‌ها استفاده می‌شود یا در (فروموناتی) که بیانگر تمایلات جنسی یا اختیاری هنگام ازدواج است چنین می‌باشد.

انسان، امروزه از چنگ زدن تعدادی از تکامل گرایان به این چنین سخنانی تعجب می‌کند در حالی که علم در هر روز برای آنها، اهمیت هر جزئی از بدن و اعضای آن را اثبات می‌کند! پس این دستگاه **میکمی دماغی** در انسان (VNO) همان ویژگیها را در **تحریکات** شیمیایی و حسی برای تاثیر غیرارادی در غده‌های **درون ریز** بین انسان مذکر و مونث از لحاظ روحی و جسمی داراست بلکه حتی برای ترشح هورمون (جونادوتروبین) از غده‌ی هیپوفیز بدان اشاره می‌نماید. این امر جدای از پژوهشهای بسیار دیگری است که مخصوصا تاثیرپذیری زنان بالغ از رایحه‌ی عرق مردان و تشخیص دقیق آنها و ربط آنها به عرق پدرانشان بواسطه‌ی این جزء مهم در بینی را دارد (و به همین دلیل برخی از این پژوهشها آنرا چنین توصیف می‌کنند که حس ششم (Sixth Sense) می‌باشند).

و بدین خاطر دیگر عجیب نمی‌باشد که نتایج پژوهشهای دیگری بدست آید تا حقیقت فایده‌ی آن را در انسانهای بالغ برای ما بیان دارد مثل پژوهش زیر:

<http://www.ncbi.nlm.nih.gov/pubmed/9929629>

۱۰. ژنهای بی‌وظیفه در انسان

همان چیزی که (Junk Gene) می‌نامند سطوح وسیعی از دی‌ان‌ای ژنتیکی در مقایسه با اجزای کوچکی که حامل ژنهاست را به خود اختصاص داده است. سپس تکامل گرایان بعد از آن از ظهور وظایف کلی این سطوح وسیع در ساماندهی عملیات کپی‌برداری ژنها شوکه شدند و اینکه چه زمانی آغاز می‌شود و نیز از این شوکه شدند که چگونه پایان می‌یابد یا متوقف می‌شود یا ظهور آن تغییر می‌یابد یا ترکیب می‌یابد و...

کالینز می‌نویسد:

در بررسی آنچه بعنوان عناصر تکراری قدیمی شناخته شده‌اند، مدارک قطعی تری مبنی بر وجود اجداد مشترک به دست آمده است. این عناصر از ((ژن‌های جهنده)) حاصل شده‌اند که قادر به همانند سازی و وارد کردن خود به

محل های متنوعی در ژنوم هستند و معمولاً هیچ اثری بر عملکرد ژن ندارند... هنگامی که قطعات ژنوم های انسان و موش را بر اساس ژن های همتایی که به یک ترتیب قرار دارند در کنار هم می گذاریم، می توانیم عناصر تکراری قدیمی را نیز تقریباً در محل های مشابهی در این دو ژنوم تشخیص دهیم.

زبان خدا (شواهد علمی ایمان به خدا از زبان دانشمندان) فرانسیس س. کالینز ترجمه: محمد تقی حلی ساز و محمدرضا حلی ساز. قم: موسسه بوستان کتاب (مرکز چاپ و نشر دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم)، ۱۳۹۱. صفحه ۱۳۳

اما این حرف تا سال ۲۰۱۶ دیگر مفهومی به اسم جانک دی ان ای وجود ندارد چونکه دی ان ای کد نشده، وظایف سلولی مهمی دارد... به اعتراف خود فرگشت گرایان، من جمله داو کینز! به این کلیپ مراجعه شود^۴

و پژوهشها دارد از سال ۲۰۱۲م به بعد از این مناطق بسیار و مفید سخن می گوید! چنانکه لینک زیر از گاردین بریتانیا نمونه ی آن است:

Genetic code of mice takes man to new frontiers in medical research

<http://www.theguardian.com/education/2002/dec/12/science.highereducation1>

و در پاراگراف اول مقاله می خوانیم:

تغییر نظر دانشمندان و پژوهشگران نسبت به دی ان ای بی‌وظیفه، دارد برای آنان تعدادی از فواید آن را آشکار می سازد.

The huge stretches of genetic material dismissed in biology classrooms for generations as “junk DNA” contain instructions essential for the growth and survival of people and other organisms

و از واشنگتن پست در همان سال می خوانیم که:

‘Junk DNA’ Contains Essential Information

<http://www.arn.org/docs2/news/junkdnaessential120802.htm>

و از ساینس دیلی هم می خوانیم که:

Essential Cell Division “Zipper” Anchors To So-Called Junk DNA

⁴ <http://www.aparat.com/v/0Yzbl/>

<http://www.sciencedaily.com/releases/2002/08/020830072103.htm>

بنابراین اگر این فقط سال ۲۰۰۲م است! پس تصور کنید که علم، امروزه به کجا رسیده است در حالی که تکامل - گرایان کماکان مشغول فریبکاری و دروغ گفتن به پیروان غیرمتخصص خود هستند!!

شایان ذکر است که این دروغ بصورت کلی و رسمی در سال ۲۰۱۲م در مقاله‌ی مفصل سیانتیفیک امریکن باطل و مردود اعلام شد با عنوان:

(Hidden Treasures in Junk DNA) گنج‌هایی پنهان در دی‌ان‌ای بی‌وظیفه

<http://www.scientificamerican.com/article/hidden-treasures-in-junk-dna/>

چنانکه نویسنده‌ی مقاله شروع به اقتباس عبارت زیر از پروفیسور ایوان بیرنی (Ewan Birney) هماهنگ کننده‌ی کل پروژه‌ی دی‌ان‌ای اینکود (ENCODE) یا (Encyclopedia of DNA Elements) می‌کند آنجا که می‌گوید:

(What was once known as junk DNA turns out to hold hidden treasures, «ما هیچگاه نمی‌دانستیم چیزی مثل دی‌ان‌ای به منبعی از گنج‌های پنهان تبدیل شود».

۱۱. بالهای پرندگان که پرواز نمی‌کنند

یا (Flightless birds) این یکی از مشهورترین دلایلی است که تکامل گرایان برای اعضای بی‌فایده برای مردم ساده مطرح می‌کنند و بوسیله‌ی آن از ارتباط کلمه‌ی (بال) با پرواز نزد اکثر مردم سوءاستفاده می‌کنند...

برای رد این ادعا می‌گوییم:

بایستی بفهمیم گروه‌ها و گونه‌های موجودات زنده چگونه با انسجام و توازن بر سطح زمین توزیع شده است تا تکامل غذایی کامل بین آنها تضمین گردد. پس اگر این را بفهمیم از یکی از مهمترین حکمت‌های خداوند در محدود نمودن توانایی‌های هر موجود زنده‌ای در مورد وظیفه و مکان و نقش غذایی‌ای که خدا مقدر نموده آگاه می‌شویم! و گرنه می‌توانیم تصور کنیم که اگر شاهین مثل مگس و ماهی تخم‌گذاری کند - یعنی به تعداد بسیار زیاد - وضعیت

چگونه خواهد شد! و همچنین می‌توانیم تصور کنیم اگر عمر مگس طولانی‌تر از وضع کنونی‌اش می‌بود سیاره‌ی ما چه حالتی پیدا می‌کرد؟! و با این اندیشه به راحتی می‌توانیم وجود بالهای پرندگان را که پرواز نمی‌کنند را تفسیر کنیم. چنانکه می‌بایست حقیقت مهمی را توضیح دهیم و آن اینکه همین بالها نشان از نهایت کمال آفرینش و دقت مناسبت آن با وظیفه‌ی مختلف‌اش است!! و ما از بالهای پرندگان که پرواز می‌کنند - همان که تکامل‌گرایان را از هر جهتی درمانده ساخته - سخن نمی‌گوییم بلکه از بالهای پرندگان غواص در آب و در راس آنها پنگوئن - سخن می‌رانیم و اینکه چگونه ساختار و پره‌های کوتاه و سختش (یا لیز و صیقلی) به آن چنان سرعتی در زیر آب می‌بخشد که به ۲۴ تا ۳۰ کیلومتر در ساعت می‌رسد!! یا بالهای پرندگان را یادآور می‌شویم که این پرندگان با سرعت زیادی حرکت می‌کنند و می‌دوند همانند شترمرغ، که دو بال خود را در اثنای دویدن و جهت‌دهی و دور زدن ناگهانی و در اثنای تعقیب و گریز یا فرار از شکار شدن و مورد هدف قرار گرفتن بعنوان ترمز بکار می‌گیرند آن هم در حالی که سرعت آنها به ۵۵ تا ۸۵ کیلومتر در ساعت می‌رسد، یا از پرندگان اهلی همانند مرغ سخن می‌گوییم که انسان از زمان کهن‌ترین تمدن‌هایش تا به امروز آن را بعنوان غذایی اساسی استفاده کرده است، برخی مرغها در سال، ۱۴۸ تخم می‌گذارند و برخی مرغهای سفید گاها تا ۲۸۰ تخم در سال می‌گذارند!! و همانند مرغ برخی پرندگان هست که با بالهایش پرواز نمی‌کند بلکه می‌تواند بوسیله‌ی آن دو، تنها بصورت محدود پیرد یا از جایی بالا برود!!

و شاهد اینست که: خداوند متعال که تکامل غذایی را بین حیوانات در نهایت دقت و تعادل آفریده همان کسی است که اراده نموده برخی پرندگان در هوا به پرواز درآیند - اعم از سریع و معمولی، سنگین یا کند - هر کدام بر حسب دایره‌ی غذایی خود هستند چه شکارچی باشد یا شکار، و همچنین برخی در آب شنا یا زندگی می‌کند و برخی پرندگان از آب جدا نمی‌شوند و برخی نیز از آب و هوا جدا نمی‌شوند در حالی که هیچگاه بر خشکی گام نمی‌نهند یا برخی دیگر که زندگی‌شان بین درختان می‌باشد و برخی دیگر اصلاً از درختان پایین نمی‌آیند مگر اینکه پرواز کنند!! و برخی نیز با سرعت زیادی می‌دوند و برخی هم بر روی زمین زندگی کرده و از کرمها و حبوبات تغذیه می‌نمایند و...

و چه از لحاظ گوشت‌شان و چه تخم آنها، غذایی برای دیگر موجودات بشمار می‌روند همانند مرغ یا **کیوی** با تخم بزرگ.

وبسایت رد شبهات ملحدین: No-Atheism.com

کانال تلگرام رد شبهات ملحدین: [@no_atheism](https://t.me/no_atheism)

صفحه فیسبوک رد شبهات ملحدین: facebook.com/islamway1434

کانال آپارات رد شبهات ملحدین: aparat.com/asteira